



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1205

Lesson No: 1205

Tags: American Language Course, UNIT 1205, Glossary

Appoint(v.)	منصوب کردن، گماشتن	That's a party of one?	یه نفرید؟ یه نفره مسافرت می کنید؟
Appointment(n.)	قرار ملاقات	Reach	دسترسی داشتن
Make an appointment	قرار گذاشتن	During	در طول
Dentist	دندانپزشک	Extension	تلفن داخلی (در ادارات)
Office	مطب	Personal	شخصی، فردی
Some time	یه وقتی، یه موقعی	Get in touch with	ارتباط برقرار کردن
Is something wrong?	اتفاقی افتاده؟ طوری شده؟	Across	آن سوی، آن طرف
Checkup	چکاپ، آزمایش و بازبینی	Continent	قاره، کشور
Regular	منظم، با قاعده، همیشگی	Hardly	به ندرت
Let's make it next week then.	پس بیا بذاریمش هفته بعد.	Call(n.)	تماس تلفنی
Busy	مشغول، گرفتار	Call up(v.)	تماس گرفتن، زنگ زدن، تلفن زدن
How about ...?	چطوره ...؟	Relative	فامیل
That will be fine.	خوبه.	Pleasant	مطبوع، دلپذیر، خوشایند
Reserve(v.)	رزرو کردن، از قبل تهیه کردن، [از قبل] ذخیره کردن	Visit	ملاقات کردن
Reservation(n.)	رزرواسیون، تهیه کردن	In person	به صورت حضوری
Reservations	قسمت رزرواسیون هتل یا آژانس هواپیمایی و...	Dial(n.)	صفحه شماره گیر تلفن
Make reservations	رزرو کردن	Dial(v.)	شماره گرفتن
That line is busy.	اون خط تلفن مشغوله.	Dial phones	تلفنهایی که شماره گیر دارند.
Ring	زنگ زدن	Mean(v.)	معنی دادن
Get in	سر رسیدن، وارد شدن، رسیدن [به مقصد]	Look up	جستجو کردن شماره تلفن در دفترچه تلفن
To be due	سر رسیدن، آمدن، رفتن (در مورد ورود و خروج)	Part	بخش، قسمت
Flight 549 is due in Atlanta at 7:51 p.m.	پرواز ۵۴۹ قراره که ساعت ۷:۵۱ عصر وارد آتلانتا بشه.	Pick up	برداشتن گوشی
Serve(v.)	سرو کردن، پذیرایی کردن، غذا دادن	Operator	اپراتور
Both	هر دو	Local	محلی
Take	گرفتن	Local call	تلفن داخل شهری
I'll take the earlier one, then.	پس اون پرواز زودتره رو می گیرم.	Distance(n.)	فاصله
Wish	خواستن، نیاز داشتن	Distant(adj.)	دور
Return	برگشتن	Long distance call	تلفن راه دور
Do you wish a return reservation?	آیا برای برگشت هم نیاز به رزرواسیون دارید؟	Particular	خاص
One-way	بلیت یک سره، یک طرفه	Anyone	هر کسی
Party	گروه، مجموعه	Basic	اصلی، پایه ای
		Charge	شارژ، هزینه، خرج
		Basic charge	هزینه پایه



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1205

Lesson No: 1205 **Tags:** American Language Course, UNIT 1205, Glossary

Depend on	بستگی داشتن به	We had <u>more bills than usual</u> this month.	این ماه بیشتر از معمول قبض داشتیم.
Additional	اضافی	Hardly	به ندرت
Amount	مقدار، میزان، مبلغ	I have hardly any free time.	امروز من هیچ وقت خالی ندارم.
Charge(v.)	شارژ کردن، پول گرفتن، خرج تراشیدن	I can hardly hear you.	من اصلاً صدای شما را نمی شنوم.
Each	هر	There's hardly any rain in July.	در ماه ژولای به ندرت باران می بارد.
Monthly	ماهانه	Is John a friend or a relative of yours?	جان دوست شماست یا فامیل شما؟
Bill	صورتحساب	Have in mind	در نظر داشتن
Plus	به علاوه	What are the rates in this hotel?	نرخهای این هتل چقدره؟
Public	عمومی	Fact	واقعیت، حقیقت
Booth	باجه، غرفه، کیوسک	Learn the basic facts.	حقیقتهای اصلی را یاد بگیرید.
Telephone booth	باجه تلفن عمومی	Engineer	مهندس
Connected	مرتبط شده، متصل شده	Engineering	رشته مهندسی
Express(v.)	بیان کردن	Mathematics	ریاضیات، علم ریاضیات
Idea	ایده، عقیده، نظر، مفهوم	Adverbs of frequency	قید تکرار
At a time	در هر بار، یکی یکی	Position	جایگاه، محل قرار گیری
Communicate (with)	ارتباط برقرار کردن (با)	Ever	هیچ وقت (در جملات منفی و سؤالی می آید).
Reasonable	[قیمت] معقول و منطقی	Are you ever here?	آیا شما هیچوقت اینجا هستید؟
Rate	نرخ، قیمت	You aren't ever here.	شما هیچوقت اینجا نیستید.
Look up	جستجو کردن معنی لغت در دیکشنری	Coke	نوشابه، کوکاکولا
Look the word up in the dictionary.	لغت رو در دیکشنری جستجو کن.	Appropriate	صحیح، درست
Pick up	برداشتن	Instead of	به جای
He picked the pencil up.	او مداد را برداشت.	Expression	اصطلاح، بیان
Hall	راهرو	Vacation	تعطیلات، استراحت، فراغت
How's business?	کاسبی چطوره؟	Take a vacation	به تعطیلات رفتن
Kind	نوع، تیپ	To be due to	قرار بودن
He is the kind of a man who will always help you.	او از اون تیپ آدمهاست که همیشه به تو کمک خواهد کرد.	When <u>are we due to</u> arrive?	کی قراره برسیم؟
Magazine	مجله	They <u>were due</u> two hours ago.	آنها دو ساعت پیش قرار بود برسند.
Appear	ظاهر شدن، پدیدار شدن، منتشر شدن، بیرون آمدن	I want reservations for a party of four.	من می خواهم برای چهار نفر رزرو کنم.
This magazine <u>appears</u> monthly.	این مجله به صورت ماهانه منتشر می شود.		
Bill	صورتحساب		
Usual	معمول		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1205

Lesson No: 1205

Tags: American Language Course, UNIT 1205, Glossary

How many are in your party? در گروه شما چند نفرند؟

A party of three are سه نفر منتظر شما هستند.

waiting for you.

I'll need to reach you من امروز باید به وقتی با شما
sometime today. صحبت کنم.

Can he reach you at this آیا او می تواند شما را در این
address? آدرس پیدا کند؟

I'm not ever late. من هیچوقت دیر نمی کنم.

Make a trip سفر کردن

He plans to make the trip او قصد دارد هفته آینده به سفر
next week. برود.

Certain(adj.) مطمئن، قطعی، مسلم

Certainly(adv.) البته، حتماً، مطمئناً

Any time هر وقت، هر زمان

How to چطوری

I don't know how to use it. بلد نیستم چطوری ازش استفاده
کنم.

How do you know what to چطور متوجه می شید که چقدر
pay? باید پرداخت کنید؟

We will pick up your books ما کتابهایتون رو براتون می گیریم.
for you.

Early زود، اول وقت

I am taking the early flight. من پرواز اول وقت رو می خوام
بگیرم.

By air با هواپیما، بصورت هوایی

Isn't he going by air? آیا با هواپیما نمی رود؟

Within داخل، درون

Local calls are calls within تماسهای محلی، تماسهای داخل
the city. شهر هستند.

Depend on اعتماد کردن

Can I depend on you to do آیا من می توانم به شما اعتماد کنم
the work? که کار را انجام می دهید؟

Are you ever late for class? آیا شما هیچوقت دیر می رسید سر
کلاس؟

Have an appointment قرار ملاقات داشتن

Get an appointment قرار ملاقات گذاشتن

Commander فرمانده

Once a year سالی یک بار

Whose book did Peter read? کتاب چه کسی را پیتر خواند؟

Which کدام، کدام یک

Which bus do you ride کدام اتوبوس را شما هر روز سوار
every day? می شوید؟

How often? چند وقت یکبار؟

How often will he write? چند وقت یکبار آیا او نامه خواهد
نوشت؟